

## بررسی امکان پذیر بودن حکومت بین المللی قانون

عظاله صالحی \*

### چکیده

در خصوص حکومت بین المللی قانون مهم ترین پرسش، مسئله امکان یا عدم امکان پیاده نمودن حکومت قانون در عرصه حقوق بین الملل می باشد. حقوق بین الملل فاقد مراجع رسمی قانون گذاری، قضایی و اجرایی شبیه نظام داخلی است. همین امر موجب شده برخی حقوقدانان به ویژه آنها که حقوق بین الملل را با مبنا قرار دادن حقوق داخلی می سنجند، برقراری حکومت بین المللی قانون را اندیشه ای غیر عملی محسوب نمایند. در این نوشتار تلاش می شود به شکلی دیالکتیکی ادعاهای کسانی که معتقد به عدم امکان حکومت بین المللی قانون می باشند را در برابر ادعاهای افرادی قرار دهیم که اندیشه حکومت بین المللی قانون را امکان پذیر می دانند. در گفتار اول نظر انکارکنندگان حکومت بین المللی قانون مطرح می شود و در گفتار دوم پاسخ های ارائه شده به این انکارکنندگان مورد بررسی قرار می گیرد. طرح نظرات هر دو گروه ما را به سوی یافتن پاسخ امکان یا عدم امکان حکومت بین المللی قانون هدایت خواهد کرد.

### کلید واژگان

حکومت قانون، حقوق بین الملل، سیاست، حکومت، حاکمیت، کنترل قضایی، عدالت، منابع حقوق بین الملل، دقیق بودن، دستوری بودن، ازهم گسیختگی، دیوان بین المللی دادگستری، دیوان بین المللی کیفری، سازمان ملل متحد.

---

\* دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل.

## مقدمه

استقرار حکومت قانون، در داخل کشورها، مهم‌ترین مظهر توسعه سیاسی هزاره دوم عنوان شده و پیش‌بینی می‌شود توسعه حکومت بین‌المللی قانون، احتمالاً در میان دستاوردهای هزاره سوم باشد.<sup>۱</sup> لزوم حکومت قانون، از دیرباز احساس شده است: همین که تمدن پا گرفت و دولت برقرار شد، خردمندان به تجربه دریافتند که قدرت برتر، پناهگاه مطمئن و مناسبی نیست و به تنهایی نظم جامعه را، تأمین نمی‌کند، چرا که خودکامگی و تبعیض، دو عامل بزرگ بی‌نظمی و زاده همان قدرت است. پس، برای دفع این آفت‌ها، حکومت قانون، به عنوان اصل برتر در تمام مطالعه‌های اجتماعی و فلسفی، پذیرفته شد و اطاعت از قانون، در زمره فریضه‌های اخلاقی به شمار آمد. سقراط از بیم قانون‌شکنی به مرگ تن داد و جان خود را فدای قانون، اخلاقی کرد تا حرمت این اصل بر پا ماند. این جانفشانی و خضوع اثر خود را به جای نهاد و قرن‌ها بعد کانت در بزرگ‌ترین دستور اخلاقی خود توصیه کرد: "به شیوه‌ای رفتار کن که قاعده کار تو بتواند مبنای قانون جهانی باشد".<sup>۲</sup> در خصوص اهمیت حکومت بین‌المللی قانون نیز گفته شده: احترام به حکومت قانون، یکی از ستون‌های همزیستی مسالمت‌آمیز میان ملل است.<sup>۳</sup>

1. P. Johnson, "Laying Down the Law — Britain and America led the Way in Establishing Legal Regimes Based on Universal Principles," Wall Street Journal, 10 March 1999, A22.

۲. کاتوزیان، ناصر و دیگران؛ حکومت قانون و جامعه مدنی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۵.

3. Speech by H. E. Judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice, The ICJ, the United Nations System, and the Rule of Law, 13 November 2006.

On: [http://www.lse.ac.uk/collections/LSEPublicLecturesAndEvents/pdf/20061113\\_Higgins.pdf](http://www.lse.ac.uk/collections/LSEPublicLecturesAndEvents/pdf/20061113_Higgins.pdf).

اما از آنجا که اصل حکومت قانون، یک اصل حقوق داخلی است و میان حقوق داخلی و حقوق بین الملل، تفاوت‌های ساختاری و مبنایی متعددی وجود دارد، پیاده نمودن حکومت قانون، در روابط بین الملل، با آنچنان موانعی روبه رو است که برخی تحقیقش را غیر ممکن دانسته‌اند.

### گفتار اول: نظر انکارکنندگان حکومت بین المللی قانون

#### بند اول: عدم استقلال حقوق بین الملل از سیاست

حقوق بین الملل، زمانی از سیاست مستقل است و می‌تواند زمینه استقرار حکومت قانون را، فراهم نماید که هم دقیق باشد و هم دستوری<sup>۴</sup>. اما انکارکنندگان حکومت بین المللی قانون می‌گویند غیرممکن است که بتوان ثابت کرد که یک قاعده یا اصل حقوق بین الملل، به طور هم زمان، هم دقیق باشد و هم دستوری<sup>۵</sup>. زیرا در حقوق بین الملل، این دو شرط همدیگر را، خنثی می‌کنند. استدلال مربوط به دقت، استدلالی مربوط به نزدیکی یک اصل، قاعده یا آموزه مشخص به عملکرد دولتی است. اما هرچه یک استدلال به عملکرد دولت نزدیک باشد، به همان میزان سیاسی تر و کمتر دستوری بوده و در واقع بیشتر عذر و توجیهی برای قدرت موجود می‌باشد.

استدلال مربوط به دستوری بودن نیز به همین شکل در پی آن است که نشان دهد از اراده و عملکرد دولت، فاصله گرفته است. این امر موجب می‌شود که از سیاق اجتماعی خود نیز فاصله گرفته، آرمانی شده و همانند نظریات مربوط به عدالت طبیعی، مورد دست کاری قرار گیرد.

4. Martti Koskenniemi , From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument, Cambridge University Press, 2006. p. 17 .

On: [http://www. books. google. com /](http://www.books.google.com/).

5. Emmanuel,Voyiakis ,International Law and the Objectivity of Value, Brunel University . School of Social Sciences and Law ,February 17, 2006.

On: [http://www. ssrn. com/](http://www.ssrn.com/) .

بنابراین هرچه آموزه‌ها بیشتر در پی اثبات دستوری بودن حقوق و استقلال آن از سیاست باشند، به همان میزان نسبت به ایراد آرمانی شدن، آسیب‌پذیر می‌شوند. در مقابل، هرچه در پی رابطه نزدیک‌تر حقوق بین‌الملل با رفتار دولت باشند، این آموزه‌ها کمتر دستوری به نظر خواهند رسید.<sup>۶</sup>

### بند دوم: از هم گسیختگی حقوق بین‌الملل

انکارکنندگان حکومت بین‌المللی قانون، با دیدی انتقادی برآنند که حل اختلافات میان دولت‌ها در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان‌های دیگری است که بر اساس یک معاهده بین‌المللی، تأسیس شده‌اند. صلاحیت برخی از آنها عام است و برخی دیگر فقط در مورد اختلافات در حوزه‌های مشخصی نظیر: تجارت، سرمایه‌گذاری، حقوق بشر و یا اختلافات دریایی، دارای صلاحیت می‌باشند. جرائم کیفری افراد نیز در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان‌های کیفری ویژه‌ای نظیر دیوان‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا است که توسط شورای امنیت، تأسیس شده‌اند. سؤال می‌شود، اگر حکومت قانون، نیازمند اعمال یکسان قواعد حقوقی است، آیا وجود این دادگاه‌های مختلف خطر از هم گسیختگی<sup>۷</sup> حقوقی را سبب نمی‌شود؟ از هم گسیختگی به این معنی که دادگاه‌های مختلف، قواعد متفاوتی را اعمال کنند. البته در نظام داخلی هم، دادگاه‌های متعددی وجود دارند و آنجا هم این خطر وجود دارد. اما در نظام داخلی، میان دادگاه‌ها یک ساختار سلسله‌مراتبی وجود دارد که در روابط بین‌الملل، چنین چیزی وجود ندارد.

همچنین انتقاد شده که حتی اگر شاخه‌های گوناگون حقوق بین‌الملل، در مورد مسئله‌ای قواعد یکسانی داشته باشند، با این حال ممکن است آن قواعد به واسطه آنکه هر

6. Martti Koskeniemi, The Politics of International Law, European Journal of International Law, vol. 1, no. 1&2, 1990: 4.32, at 7.

7. Fragmentation.

شاخه از حقوق بین‌الملل، اهداف، ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های خاصی دارد، به شکل متفاوتی اعمال شوند. مثلاً بررسی مسئله سلاح‌های اتمی از یک چشم انداز حقوق بشری با نگاه به آن از منظر حقوق مخاصمات، متفاوت خواهد بود. بررسی جابه‌جایی مواد شیمیایی از منظر تجارت آزاد، با بررسی آن از منظر محیط زیست، صرف نظر از اینکه قواعد چه باشند، به نتایج متفاوتی، منتهی می‌شود.<sup>۸</sup>

البته لازم به ذکر است که از هم گسیختگی و چند پارگی حقوق بین‌الملل، مفهوم جدیدی نیست. بلکه یکی از خصوصیات حقوق بین‌المللی است که خودش ذاتاً، حقوق یک جامعه چند پاره است.<sup>۹</sup> این چند پارگی هم در مورد مسائل شکلی مطرح است و هم در مورد مسائل ماهوی.

موضوعات شکلی مربوط به مسائل نهادی در خصوص ایجاد هماهنگی عملی، سلسله مراتب نهادی و ضرورت توجه دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی، به صلاحیت یکدیگر می‌باشد.<sup>۱۰</sup> مسائل ماهوی به چند پاره شدن خود حقوق بین‌الملل اشاره دارد. یعنی چند پاره شدن آن به درون نظام‌های خاصی که میان آنها انسجام و نظم منطقی وجود ندارد یا اینکه با هم مغایرت دارند.<sup>۱۱</sup>

8. Martti Koskeniemi, International Law: Between Fragmentation and Constitutionalism, Canberra, 27 November 2006. p. 4.

9. ILC, Report of the Study Group on Fragmentation of International Law, 54<sup>th</sup> Session of the International Law Commission, Geneva, 29 April. 7 June and 22 July. 16 August 2002, A/CN. 4/L. 628, para 6.

10. ILC, Report of the Study Group on Fragmentation of International Law: Difficulties arising from the Diversification and Expansion of International Law, 55<sup>th</sup> Session of the International Law Commission, Geneva, 5 May. 6 June and 7 July. 8 August 2003, A/CN. 4/L. 644, para 6.

11. *Ibid.*

### بند سوم: فقدان یک حکومت جهانی

هیچ نظام حکومتی جهانی وجود ندارد که به سادگی بتوانیم مدل مطرح شده حکومت قانون را، در آن جای دهیم. سازمان ملل متحد که هم به واسطه گستردگی حوزه‌های فعالیت و هم به واسطه تعداد اعضا، نسبت به سایر سازمان‌های بین‌المللی، به یک حکومت جهانی نزدیک‌تر است، دارای کاستی‌های اساسی است. نخست آنکه مجمع عمومی سازمان که در آن هر دولت یک حق رأی دارد و در واقع نماینده جامعه بین‌المللی است، بیشتر تصمیم‌هایش الزام‌آور نیست و حکم قانون، ندارد. دوم آنکه بخش اجرایی سازمان ملل متحد، یعنی شورای امنیت مرکب از ۱۵ عضو است که ۵ تا از آنها، اعضای دائمی و با حق وتو می‌باشند، و ۱۰ تا از آنها اعضای غیر دائمی هستند که به طور چرخشی، هر دو سال یک بار، انتخاب می‌شوند. اعضای محدود شورا، عملاً نقش نماینده دولت خودشان را، ایفا می‌نمایند تا نمایندگان یک دولت جهانی را. کوفی عنان تلاش بسیاری برای تجدید ساختار شورای امنیت در جهت تقویت حکومت قانون انجام داد، اما مشکلات متعدد پیش روی این تلاش‌ها، هنوز حل نشده‌اند.

اعضای شورای امنیت ضمن تلاش برای اعمال اصولی مقررات منشور، در هنگام اتخاذ تصمیم، واقعیت‌های قدرت، تأمین منافع خود و دوستان‌شان را نیز، کاملاً لحاظ می‌کنند و همین امر موجب می‌شود که شورا در هنگام اتخاذ تصمیم، با همه دولت‌ها، برخورد برابری نداشته باشد. تصمیم‌هایش یکسان و یکنواخت نبوده، بلکه دارای نوعی تناقض باشد. در مورد تصمیم‌های اتخاذ شده نیز، قدرت تحمیل تصمیم‌ها، مستلزم تکیه بر دولت‌های عضو است. نیروهایی هم که ماده ۴۳ پیش‌بینی کرده است، نیروهایی هستند که از طریق دولت‌های عضو، فراهم می‌آیند. در عمل، خود تصمیم گیرندگان، مجری نیز خواهند بود.

### بند چهارم: فقدان یک دیوان عالی بین‌المللی

در جامعه بین‌المللی، بر خلاف آن دسته از نظام‌های حقوقی داخلی که بر مدار حکومت قانون، حرکت می‌کنند، یک دیوان عالی که بتواند در مورد اختلافات مهم و

حیاتی تصمیم گیرنده نهایی باشد، وجود ندارد. حکومت قانون، حکم می‌کند، تمامی تصمیم‌های نهادهای بین‌المللی، می‌بایستی برای اطمینان از خودسرانه نبودن و مطابقت آنها با قواعد اساسی جامعه بین‌المللی، قابل تجدید نظر باشند، اما، در جامعه بین‌المللی هنوز هیچ مرجع قضایی یافت نمی‌شود که بتواند در همه موارد به این ضرورت، پاسخ بگوید.

دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از ارکان مهم سازمان ملل متحد و ارکان قضایی اصلی آن سازمان است. اما این مسئله که آیا دیوان می‌تواند تصمیم‌های سایر ارکان سازمان و آرای سایر مراجع قضایی بین‌المللی را، مورد تجدید نظر قضایی قرار دهد، هنوز کاملاً روشن نیست.

نه در منشور و نه در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، هیچ اشاره‌ای به صلاحیت دیوان برای تجدید نظر در آرای سایر دیوان‌های بین‌المللی، نشده است. بنابراین دیوان نمی‌تواند در جایگاه یک دیوان عالی جامعه بین‌المللی در این خصوص، تصمیم بگیرد. البته اساسنامه این دادگاه‌ها، می‌تواند چنین صلاحیتی به دیوان بدهند. برای مثال، اساسنامه دادگاه اداری سازمان بین‌المللی کار، این اجازه را داده که در خصوص احکام این دادگاه نزد دیوان، تقاضای تجدید نظر کنند. ماده ۸۴ کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو نیز به دولت‌های عضو این کنوانسیون، اجازه داده تا برای استیناف از تصمیم شورای اجرایی ایکائو، از دیوان بین‌المللی دادگستری استفاده نمایند<sup>۱۲</sup>. البته دیوان به طور ذاتی، چنین صلاحیتی دارد، ولی اعمال این صلاحیت به موافقت دولت‌ها در چارچوب اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی مربوطه، موکول است.

در رابطه با صلاحیت دیوان برای تجدید نظر در تصمیم‌های سایر ارکان سازمان ملل متحد نیز، مسئله خیلی روشن نیست و خود دیوان هم تاکنون با این قضیه، محتاطانه برخورد

۱۲. سادات میدانی؛ دیوان بین‌المللی دادگستری و اصلاحات سازمان ملل متحد، در کتاب رضا موسی زاده، اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد ج.ا. ایران. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱.

نموده است. در قضیه نامیبیا، دیوان اظهار داشت: بدون تردید، دیوان فاقد قدرت تجدید نظر قضایی یا استیناف در خصوص تصمیم‌های ارکان مربوطه سازمان ملل متحد می‌باشد.<sup>۱۳</sup> اما به نظر می‌رسد دیوان در قضایای لاکربی و بوسنی برای بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت، در را به روی خودش، نیمه باز گذاشته است. زیرا دیوان در قضیه لاکربی می‌گوید: در این مرحله از رسیدگی از دیوان درخواست نشده است، اثر حقوقی قطعنامه مربوطه را، به طور قطعی مشخص سازد.<sup>۱۴</sup>

در قضیه بوسنی نیز دیوان می‌گوید: رسیدگی ماهوی، از جمله بررسی قضایی اقدامات شورای امنیت، خارج از قلمرو صحیح درخواست برای انجام اقدامات حمایتی موقت، قرار دارد.<sup>۱۵</sup>

لازم به ذکر است که دولت لیبی در قضیه لاکربی، از دیوان درخواست نمود، تصمیم شورای امنیت علیه خودش را، غیر معتبر اعلام نماید. اما قبل از آنکه دیوان در مورد این موضوع تصمیم‌گیری کند، آن دعوی را، پس گرفت.<sup>۱۶</sup> در مجموع، به نظر می‌رسد که دیوان اجازه دارد، شاید حتی تکلیف دارد، تا درجه‌ای از بررسی‌های قضایی را، بر روی

13. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (South West Africa) notwithstanding Security Council Resolution 276 (1970), advisory opinion, [1971] ICJ Reports 16, at 45, para. 89.

14. Case Concerning Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v United States of America), [1993] ICJ Reports 114, at 126, paras. 42.43. On: [www.icj.cij.org](http://www.icj.cij.org).

15. Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v Yugoslavia (Serbia and Montenegro)), Order of 13 IX 1993, [1993] ICJ Reports 325, at 344.345, paras. 40.41.

16. Andreas L. Paulus, Jurisprudence of the International Court of Justice Lockerbie Cases. On: <http://www.ejil.org/journal/Vol9/No3/sr1.html>



اقدامات شورای امنیت، در دو وضعیت، اعمال نماید. نخست، وقتی که در اختلافات میان دو دولت، اقدام شورای امنیت به تعیین حقوق و تکالیف دولت‌ها مربوط می‌شود. دوم، در ارائه آرای مشورتی، هنگامی که بررسی قانونی بودن اقدامات شورای امنیت برای تشخیص صحیح حقوق و تکالیف دولت‌های عضو، لازم باشد.<sup>۱۷</sup> برای مثال، در سال ۱۹۵۴ در قضیه اثر آرا<sup>۱۸</sup>، دیوان این سؤال را که آیا مجمع عمومی، صلاحیت تأسیس دیوان اداری سازمان ملل متحد را داشته است، مورد بررسی قرار داد، بدون آنکه نخست تحقیق کند که آیا این اقدام، یک نوع بررسی قضایی محسوب می‌شود یا خیر؟

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز در یکی از آرای خود، این نظر را که قضات آن صلاحیت بازنگری مصوبات شورای امنیت را ندارند، رد نمود. به دنبال جنگ داخلی یوگسلاوی در ۱۹۹۱، شورای امنیت برای رسیدگی به جنایات ارتکاب یافته در این جنگ، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، را تأسیس نمود. هنگامی که این دیوان تصمیم گرفت به پرونده داسکو تادیچ رسیدگی کند، او به تأسیس دیوان توسط شورای امنیت، اعتراض نمود و بر این اساس مدعی شد که این دیوان، صلاحیت محاکمه او را ندارد. اعتراض تادیچ هم در دادگاه بدوی و هم در دادگاه تجدید نظر، رد شد.<sup>۱۹</sup> دادگاه تجدید نظر در پاسخ کسانی که می‌گفتند دادگاه، صلاحیت بازنگری مصوبات شورای امنیت را ندارد، رأی داد که قضات می‌توانند و حق دارند درباره مسائل حقوقی که پاسخ حقوقی می‌طلبد -از قبیل اینکه آیا شورای امنیت، به موجب منشور سازمان ملل

17. Jan Klabbbers, Checks and Balances in the Law of International Organizations, p. 13.

On: [www.helsinki.fi/eci/Publications/JKChecks\\_and\\_Balance.pdf](http://www.helsinki.fi/eci/Publications/JKChecks_and_Balance.pdf)

18. Effect of awards.

19. Tadic Case (Prosecutor v. Dusko Tadic) (1995), International Criminal Tribunal for the Yugoslavia, The Hague, HRLJ 16, p. 426 (Trial Chamber), p. 437 (Appeals Chamber).

On: <http://www.un.org/icty/glance/casestatus.Htm>.

متحد، صلاحیت چنین اقداماتی را داشته و آیا این اقدامات با حسن نیت انجام شده است یا نه؟ - اظهار نظر کنند. به خصوص در مواردی که ممکن است با اصول و اهداف منشور، تناقض آشکاری مشاهده شود. بنابراین نخستین رویه قضایی که دادگاه لاهه ایجاد کرد، این بود که قاطعانه به اصل حکومت قانون، رأی داد.<sup>۲۰</sup>

آنچه در این قضیه، مایه امیدواری است، این نکته است که هیأت دادگاه تجدید نظر، مشروعیت خود را با صدور رأی درباره نقش شورای امنیت، و نه قبول بی چون و چرای آن به عنوان وفاداری به سازمان ملل، به اثبات رساند. در استدلال دادگاه آمده است: "قضات بین‌المللی حق دارند با نظر حکومت‌ها مخالفت کنند، حتی هنگامی که این حکومت‌ها، قدرتمند و همسو باشند."<sup>۲۱</sup>

### بند پنجم: فقدان سیستم فیصله اجباری اختلافات

جامعه بین‌المللی فاقد یک سیستم فیصله اجباری اختلافات می‌باشد. بخش مربوط به آن در منشور نیز، یعنی فصل شش، جنبه تکمیلی و اختیاری دارد. شورای امنیت در این زمینه، صرفاً اختیارات توصیه‌ای دارد و هیچ نوع ارجاع خود به خود اختلافات، به دیوان بین‌المللی دادگستری، صورت نمی‌گیرد. اساساً در منشور، بیشتر تأکید بر حفظ صلح است تا فیصله اختلافات بر اساس اصول حقوق بین‌الملل.<sup>۲۲</sup>

### بند ششم: فقدان قانون اساسی بین‌المللی

هر چند که منشور به نوعی، یک قانون اساسی برای نظم بین‌المللی مدرن، تعبیر شده است و تعهدات ناشی از آن، بر سایر تعهدات کشورها برتری دارد، اما در عمل منشور

۲۰. رابرتسون، جفری؛ جنایت علیه بشریت، برگردان گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۳، ص ۴۰۲.

۲۱. پیشین.

۲۲. برانلی، ایان؛ حقوق بین‌الملل در واپسین سال‌های قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران، ۱۳۸۳، ص ۷۶.

نتوانسته چنین نقشی را، به خوبی ایفا نماید، زیرا زبان منشور، بیش از آنکه قاطعانه باشد، جنبه نصیحت گونه دارد.

مقدمه منشور، تصمیم به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام به الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین الملل را، بیان داشته است. ماده یک منشور نیز یکی از اهداف سازمان را، فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین المللی یا وضعیت هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد، با شیوه های مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل، بیان نموده است. با این حال زبان منشور فقط در مورد حفظ صلح و امنیت بین المللی، قاطع است. این امر مبین تصمیم سازمان برای جلوگیری و برطرف کردن موارد نقض حقوق بین الملل نیست. نقش مهم مجمع عمومی نیز تشویق به تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل است.

### بند هفتم: فقدان قوای قانون گذاری و اجرایی در جامعه بین المللی

این انتقاد نیز مطرح شده که خود فرآیند قاعده سازی بین المللی، از اصول حکومت قانون، پیروی نمی کند. علاوه بر این، حقوق بین الملل، سازکارهای لازم را در سطح ساختارهای حقوق داخلی، برای مدیریت قانون گذاری و اجرای آن در اختیار ندارد. توانایی نظام حقوق بین الملل برای خود اجرایی و خود اصلاحی نیز محدود است و دارای کاستی هایی است. همین امر موجب شده کشورها در برخی موارد خودشان برای پر کردن خلأ ظرفیت های اجرایی حقوق بین الملل یا توسعه حقوق بین الملل و خلأ های قانونی آن اقدام کنند. نظیر تهدید آمریکا به قطع کمک به یوگسلاوی برای وادار کردن دولت آن کشور به تحویل دادن اسلووان میلوسویچ و حمله نیروهای ناتو به کوزوو در قالب یک اقدام بشردوستانه که اولی ناشی از ضعف اجرایی حقوق بین الملل بود و دومی ناشی از عدم وجود یک قاعده حقوق بین الملل که اجازه اقدام بشردوستانه نظامی را، به ناتو بدهد.<sup>۳۳</sup>

23. Kenneth, Minogue, Noncompliance and the International Rule of Law.

On: [www.yale.edu/yjil/PDF/Cogan.pdf](http://www.yale.edu/yjil/PDF/Cogan.pdf).

### گفتار دوم: دلایل امکان پذیر بودن حکومت بین المللی قانون

گفتار دوم در واقع نقد گفتار اول است. در گفتار قبلی تابعیت حقوق بین الملل از سیاست بین الملل، منسجم نبودن نظام حقوق بین الملل و ابهام و تعارض برخی صلاحیت‌ها در این نظام حقوقی، در کنار فقدان نهادهای قانون گذاری، قضایی و اجرایی دارای صلاحیت عام، در زمره مهم ترین دلایل امکان پذیر نبودن حکومت قانون در عرصه حقوق بین الملل عنوان شدند.

این گفتار بر مبنای ایرادات مطرح شده در گفتار قبل تدوین شده و سعی می گردد به هر یک از آن ایرادات در قالب یک بند جداگانه پاسخ مستدل و مستندی داده شود.

### بند اول: عینیت حقوق بین الملل

#### الف- عینیت حقوق بین الملل به طور کل

برای نشان دادن استقلال حقوق بین الملل از سیاست بین الملل (یعنی عینیت آن به عنوان کیفیتی که آن را از ایده‌ها، نظرات و ترجیحات سیاسی که ذهنی محسوب می شوند، متمایز می سازد) لازم است که دقیق بودن و دستوری بودن آن، اثبات شود.

استدلال اصلی در خصوص فقدان عینیت حقوق بین الملل و جدا نبودن<sup>۲۴</sup> آن از سیاست، بر تناقض میان دو شرط دقیق بودن و دستوری بودن، بنا شده است. عینیت حقوق بین الملل، شرط لازم استقرار حکومت قانون است و حکومت قانون، نیز اشاره بر عینیت در این معنا دارد که آن مخالف قدرت مطلق و ذهنی بودن قواعد است. با این حال، روشن نیست چرا و چگونه، حکومت قانون بایستی با عینیت لازمش به فاصله کامل و کلی آن با سیاست یا استقلال آن از سیاست، اشاره داشته باشد. آن تعریف از حکومت قانون، که آن را دور از رویه دولت یا کاملاً مستقل از سیاست، معنی نموده است، نه در سایه مفهوم اجتماعی حکومت قانون، تنها در سایه مفهوم حقوق طبیعی حکومت قانون ممکن است.

اگر حقوق، مصنوعی و ساخته دست بشر است، بنابراین سیاست در آن نفوذ داشته و حداقل در ساختن آن دخالت دارد.<sup>۲۵</sup>

تعریف کردن حکومت قانون، در سایه مفهوم اجتماعی حقوق به عنوان مفهومی مستقل و دور از سیاست، دارای تناقض خواهد بود. بنابراین، غیر ممکن بودن حکومت قانون، به سادگی از تعریف آن برداشت می‌شود و تناقضات درونی آن، دارای ماهیتی معرفت‌شناختی می‌باشند.

حکومت قانون، می‌تواند دربردارنده اشاره‌ای تنها به محدودیت قدرت مطلق باشد که این شرطی محدودتر و صریح‌تر، نسبت به مفاهیم گسترده‌تر «دور بودن» یا «نزدیک بودن» به رویه دولت و استقلال از سیاست می‌باشد. به همین نحو می‌توان شروط «دستوری بودن» و «دقیق بودن» را، در معنایی باریک‌تر تعریف کرد که سازگاری میان این دو، را اجازه دهد. بنابراین «دقیق بودن» صرفاً به این معنای خیلی کلی اشاره ندارد که حقوق می‌بایستی نزدیک به رویه دولت باشد و به جای آنکه مبتنی بر عقیده صرف باشد، می‌بایستی مبتنی بر منفعت، اراده یا رفتار واقعی باشد. دقیق بودن بیشتر به این معنی است که حقوق می‌بایستی بر طبق آیین‌های معینی که برای ایجاد حقوق، لازم شناخته شده‌اند به وجود بیاید و آن معیاری برای ارزیابی اعتبار قواعد حقوقی و در نتیجه برای تشخیص وجود یا عدم وجود حقوق، فراهم آورد. بنابراین حقوق نتیجه یک رفتار اجتماعی است، اما وجودش تنها با اعتبارش هم زمان است، نه با خود رفتار اجتماعی.

به همین شکل، اگر «دستوری بودن» حقوق، به عنوان یک شرط عینی بودن آن، به نحوی کلی به معنای استقلال حقوق از اراده یا ترجیحات سیاسی تابعانی که بر آنها اعمال می‌شود، تعریف شود، خیلی روشن‌گر موضوع نخواهد بود. دستوری بودن بیشتر می‌بایستی

25. Dencho, Georgiev, Politics or Rule of Law: Deconstruction and Legitimacy in International Law. p. 2 .

On: <http://www.ejil.org/journal/Vol4/No1/art1.pdf>.

به این معنی باشد که وقتی قواعد حقوقی به وجود آمدند، نه تا زمانی که ترجیحات، اراده یا رویه دولت تغییر می‌کند، بلکه تا زمانی که این قواعد، خودشان مطابق آیین‌های لازم و مربوطه تغییر می‌کنند، معتبر و قابل اعمال باقی بمانند.<sup>۲۶</sup>

وقتی شرایط دقیق بودن و دستوری بودن به این روش محدود تعریف شوند، دیگر نقیض و فسخ‌کننده یکدیگر نخواهند بود. در واقع قواعد حقوقی اگر مطابق آیین‌های تثبیت شده‌ای که ارزیابی اعتبار و تمایز آنها را از مفاهیم پدیده‌های غیرحقوقی همچون نظرات، ارزش‌ها و اصول عدالت ممکن سازد، ایجاد شده باشند، می‌توانند هم دقیق باشند و هم دستوری. آنها دستوری می‌باشند زیرا آنها را برای ارزیابی رویه دولت می‌توان به کار برد و رویه دولت نمی‌تواند بدون طی شدن رویه‌های لازم و مربوط، اعتبار آنها را، ساقط نماید.

برای حکومت قانون، ارزش عینیت حقوق نه در استقلال آن از سیاست، بلکه در متمایز بودن آن از سیاست است. عینیت حقوق، به عنوان پیش شرط حکومت قانون، الزاماً به معنای استقلال آن از سیاست نیست، بلکه صرفاً به معنی امکان عملی و نظری وجود جداگانه یک مجموعه قواعد اجباری- یعنی حقوق- است که نظر سیاسی صرف نمی‌باشند و می‌توانند بر علیه رفتارهای سیاسی، اعمال شوند. وابستگی متقابل سیاست و چنین قواعدی به معنای آن نیست که آنها نمی‌توانند وجودی مستقل داشته باشند. بنابراین مفهوم باریک تری از حکومت قانون، که با قدرت مطلق، بیشتر از سیاست فاصله داشته باشد، از اهمیت آن کم نمی‌کند.<sup>۲۷</sup>

### ب: عینیت حقوق بین الملل موجود

تا آنجا که بحث به امکان‌پذیر بودن بنیادی حکومت قانون می‌پردازد، اگر قید عینیت گرفتار یک تناقض ذاتی میان دقیق بودن و دستوری بودن حقوق باشد، در نتیجه امکان‌پذیر

26. Ibid. p. 3.

27. Ibid. p. 4.

بودن حکومت قانون، رد شده است. اما اگر بپذیریم که عینیت حقوق ممکن است، فقط امکان پذیر بودن حکومت قانون را پذیرفته ایم. به عنوان گام بعدی ما مجبوریم ببینیم که آیا حقوق موجود، عملاً عینی است؟- یعنی دقیق و دستوری است- و بنابراین آیا می تواند به عنوان مبنای مناسبی برای حکومت قانون، عمل نماید؟

تنش میان دقیق بودن و دستوری بودن در حقوق بین الملل، بین عرف بین الملل به عنوان دلیلی بر رویه ای کلی که به صورت قانون، پذیرفته شده است<sup>۲۸</sup> و اصول کلی حقوقی که از سوی ملل متحد به رسمیت شناخته شده اند<sup>۲۹</sup>، بسیار مشهود است. بنابراین دقیق بودن و دستوری بودن بیان های رسمی جدا و کلی در نظام منابع به رسمیت شناخته شده حقوق بین الملل، پیدا کرده اند. ولی آیا این امر نظام منابع حقوق بین الملل را دچار تناقض می سازد؟ در نتیجه آیا حقوق بین الملل نمی تواند مبنای حکومت بین الملل قانون قرار گیرد؟ آیا رویه دولت آن قدر اعتداری نیست که نتواند با شرط دستوری بودن، مطابقت داشته باشد و آیا اصول کلی آن قدر آرمانی نیست که نتواند دقیق باشد؟ پاسخ آموزه های مربوط به منابع در این مورد چنین است:

رویه دولت به تنهایی نمی تواند خالق حقوق باشد، مگر آنکه آن رویه عمومی بوده و به عنوان قانون، پذیرفته شده باشد. اصول کلی نیز می بایستی به همین شکل به عنوان قانون، به رسمیت شناخته شده باشند<sup>۳۰</sup>.

بنابراین دقیق بودن رویه دولت برای اجتناب از اعتداری شدن بر روی دستوری بودن اعتقاد حقوقی، تکیه زده است و دستوری بودن اصول کلی حقوق نیز برای اجتناب از آرمانی شدن، بر روی دقیق بودن عمل شناسایی آنها، تکیه زده است. تکیه کردن بر روی شرط مقابل-یعنی بر روی شرط دستوری بودن به وسیله رویه دولت و بر روی شرط دقیق

28. Art. 38(1)b of the Statute of the ICJ .

29. Art. 38(1)c of the Statute of the ICJ .

30. Georgiev, *op. cit.*, n. 25. p. 8 .

بودن به وسیله اصول کلی - از نقطه نظر حکومت قانون، نمی تواند غیر موجه محسوب شود، مگر اینکه ما این فرض بی پایه و اساس را، مطرح کنیم که منابع می بایستی از لحاظ فرض علمی خالص<sup>۳۱</sup> باشند و تنها بر روی یکی از دوتا شرط مقابل، تکیه بزنند.

چنین خلوص نظری با حکومت قانون، ناسازگار است، زیرا دستوری بودن محض و داشتن فاصله کامل از رفتار دولت، آرمانی است و دقیق بودن محض اراده یا رفتار دولت نیز، اعتداری است<sup>۳۲</sup>.

اگر ما نگاه دقیق تری به تکیه متقابل منابع بر روی شروط متقابل بیندازیم، می بینیم که آنها عملاً بر روی یک چیز تکیه زده اند، بعضی اشکالی از چیزی که در نهایت، همان رضایت دولت ها است. این مطلب در بند یک ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری از طریق شرط قبولی برای عرف و شرط شناسایی برای اصول کلی، بیان شده است. در مورد اولی این دستوری بودن قبول عرف است که مورد اتکا قرار گرفته و در دومی این دقیق بودن شناسایی اصول کلی است که بر آن، تکیه شده است. دستوری بودن رضایت، بستگی به توانایی آن برای ایجاد تعهد دارد و دقیق بودنش در خود عمل بیان نمودن آن است. بنابراین، رضایت نمی بایستی با دقیق بودن تنها، شناسایی شود. یعنی با رفتار اجتماعی که از طریق آن بیان شده است، بلکه همچنین نیازمند دستوری بودن، یعنی توانایی اش برای ایجاد تعهد که می تواند با رفتار مخالفت کند نیز می باشد. بنابراین رضایت به عنوان اصل زیر بنایی منابع، نه تنها در خصوص معاهدات بلکه همچنین در خصوص دو منبع دیگر یعنی عرف و اصول کلی ظاهر می شود.

در نتیجه؛ عینی بودن سه منبع سنتی حقوق بین الملل، قابل احراز است و این به این معنی است که این منابع با حکومت قانون، سازگار می باشند.

31.pure

32. Georgiev, *op. cit*, n. 25. p. 8 .



### بند دوم: امکان مدیریت از هم گسیختگی حقوق بین الملل

هرچند که ماهیت حقوق بین الملل، ناگزیر منجر به ایجاد معاهدات بسیاری شده که طرف‌های آن متفاوت می‌باشند، هریک از این معاهدات به موضوعات مختلفی پرداخته‌اند و نهادهای برخاسته از این معاهدات نیز بر روی موضوعات متفاوتی، تمرکز دارند. نظیر نهادهای برتن وودزی یعنی بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی که بر روی مسائل اقتصاد جهان، متمرکز شده‌اند و ارکان اصلی سازمان ملل متحد که بیشتر بر روی مسائل سیاسی جهان، متمرکز می‌باشند. با این حال، افزایش وابستگی متقابل میان کشورها و میان موضوعاتی نظیر: تجارت، محیط زیست، حقوق بشر و توسعه اقتصادی، جدایی و مرز محکم میان حوزه‌های مختلف حقوق بین الملل را، امری بدلی و مصنوعی ساخته است.<sup>۳۳</sup>

ظهور بازیگران غیر دولتی در عرصه حقوق بین الملل (یعنی سازمان‌های غیر دولتی، شرکت‌های فراملی و افکار عمومی جهان) فشار بیشتری بر روی نمایندگان دولت‌ها وارد ساخته که آنها همه مسائل را، با هم نگاه کنند. برای مثال بازیگران غیر دولتی می‌خواهند وقتی دولت‌ها، به تنظیم مسائل تجارت بین الملل می‌پردازند، تصمیم‌هایی که سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از حقوق بشر و محیط زیست اتخاذ نموده است را نیز، لحاظ نمایند. این حقیقت پذیرفته شده است که حوزه‌ها و شاخه‌های مختلف حقوق بین الملل، بنا به ضرورت با هم هم‌پوشانی دارند و حل مشکلات مدرن، نیازمند بررسی دقیق تعاملات میان این حوزه‌ها و شاخه‌ها می‌باشد. دیگر نمی‌توان مسائل مربوط به تجارت را، جدای از مسئله حمایت از محیط زیست و حقوق بشر حل نمود. این تعاملات، مستلزم توسعه یک چارچوب یکپارچه برای حقوق بین الملل است.

33. Joost Pauwelyn, bridging fragmentation and unity: International Law as a universe of inter. connected islands. On: <http://www.students.law.umich.edu/mjil/article.pdf/v25n4.pauwelyn.pdf>.

چند پاره بودن حقوق بین الملل لزوماً هم امر بدی نیست. زیرا وضع و اجرای قانون، توسط سازمان‌های ویژه و اختصاصی، منجر به خلق حقوق بهتری می‌شود. نهادهای تخصصی می‌بایستی به وضع و اجرای قواعد تخصصی خودشان، ادامه دهند اما در انجام آن بایستی قواعد حقوق بین الملل عام<sup>۳۴</sup> و قواعدی را که در نهادهای دیگر ساخته شده‌اند، نیز مد نظر بگیرند. استقلال نسبی طیف گسترده‌ای از شاخه‌های حقوق بین الملل می‌تواند رشد اثر بخشی قواعد اولیه این بخش‌ها را بدون به خطر انداختن یکپارچگی و انسجام حقوق بین الملل، تضمین نماید<sup>۳۵</sup>. به این طریق چند پارگی و یکپارچگی حقوق بین الملل، می‌توانند دست در دست هم پیش بروند<sup>۳۶</sup>. وقتی دولتی به یک معاهده محیط زیستی می‌پیوندد و بعد می‌خواهد یک معاهده تجاری را امضا کند، اصل وفای به عهد، او را ملزم می‌کند که در هنگام امضای معاهده دوم، معاهده اول را، مد نظر داشته باشد.

رویه قضایی اخیر دادگاه اروپایی حقوق بشر که بر وابستگی متقابل هنجارهای حقوق بشر با سایر هنجارهای حقوق بین الملل، تاکید گذاشته است، این گونه تفسیر شده که این دادگاه معتقد است حقوق بین الملل، نظام یکپارچه‌ای را شکل داده که هدف تام و تمام آن، تقویت حمایت از حقوق بشر است. بنابراین، چند پارگی و مشروطیت<sup>۳۷</sup> حقوق بین الملل - دو مفهومی که به نظر متضاد می‌آیند لزوماً هم غیر قابل جمع نمی‌باشند.

علاوه بر این، حمایت جامعه بین المللی در کل از برخی هنجارهای خاص می‌تواند به عنوان یک جزو اساسی مشروطیت حقوق بین الملل، محسوب شود که به توسعه یک نظم

34. General International Law

35. Karel Wellens, fragmentation of International Law and establishing an accountability regime for International organizations. the Rule of judiciary in closing the GAP. p. 2.

36. Pauwelyn, *op. cit.*, n. 33.

37. constitutionalization

حقوقی بین‌المللی عینی‌تر، کمک خواهد نمود<sup>۳۸</sup>. این حمایت همچنین عنصری است که حقوق بشر را، به مفهوم "تعهدات در مقابل جامعه بین‌المللی در کل"<sup>۳۹</sup> و قواعد آمره<sup>۴۰</sup> پیوند می‌دهد. دو مفهومی که نه تنها به مشروطیت حقوق بین‌الملل، کمک می‌نمایند، بلکه به برقراری سلسله مراتب در میان هنجارهای حقوق بین‌الملل نیز، کمک می‌کنند.

### بند سوم: ظرفیت منابع حقوق بین‌الملل برای استقرار حاکمیت قانون

یکی از پیش شرط‌های حکومت قانون، این است که تابعان نظام حقوقی، می‌بایستی بتوانند حقوق و تکالیف خودشان را، ارزیابی نمایند. این امر نیز نیازمند وجود یک مجموعه قواعد روشن است. در صورت فقدان قواعد و ضعف منابع حقوقی، حکومت قانون، در اولین گام، با مانع روبرو می‌شود. در خصوص حقوق بین‌الملل، کمتر کسی امروزه نسبت به وجود مجموعه‌ای از هنجارها در سطح بین‌المللی که از ویژگی حقوقی برخوردار می‌باشند، تردید دارد. به سختی می‌توان فعالیتی در زندگی روزمره مردم پیدا کرد که در مورد آن یک قاعده حقوق بین‌الملل، وجود نداشته باشد. در بسیاری از حوزه‌ها، این امر آنقدر رواج یافته و معمولی شده که مردم حتی فکرش را هم نمی‌کنند که آن فعالیت، توسط حقوق بین‌الملل تنظیم شده است. فعالیت‌هایی نظیر: ارتباطات، کشاورزی، حقوق دریاها، محیط زیست و پزشکی<sup>۴۱</sup>.

38. Annika, Tahvanainen, commentary to professor hafner, Michigan Journal of International Law, 2004. p. 866 .

39. erga omnes.

40. jus cogens .

41. Hans Corell, "Prospects for the Rule of Law among Nations", Vienna International Centre. p. 6.

On: [http://www.un.org/law/counsel/english/Vienna\\_24\\_2\\_04final.pdf](http://www.un.org/law/counsel/english/Vienna_24_2_04final.pdf) .

حقوق بین الملل، امروزه یک حقوق موضوعه واقعی، تلقی می شود که در آن هر وضعیت بین المللی قابل ارزیابی، به عنوان یک موضوع حقوقی است.<sup>۴۲</sup> تعیین حقوقی چنین مسائلی، عملاً نیز اتفاق می افتد، چه به وسیله اعمال قواعد حقوقی خاص در جایی که آنها وجود دارند، یا به وسیله اعمال قواعد حقوقی استنتاج شده از اصول یا قواعد حقوقی دیگر با استفاده از فنون حقوقی شناخته شده.<sup>۴۳</sup>

در بسیاری از حوزه های حقوق بین الملل، مجموعه قواعد تدوین شده ای وجود دارند که توانسته اند ثبات و قطعیت لازمه حکومت قانون را، فراهم نمایند. حوزه هایی نظیر: نظام بین المللی حقوق بشر، حقوق بین الملل اقتصادی، حقوق بین الملل کار، حقوق بشر دوستانه، حقوق بین الملل دریاها، حقوق بین الملل مسئولیت دولت ها و حقوق بین الملل کیفری، از این جمله اند. وجود مجموعه وسیعی از قواعد حقوقی در این حوزه ها، اعمال قدرت صلاح دینی دولت ها در روابط شان با دیگران را، محدود ساخته است. امری که به استقرار حکومت قانون، کمک شایانی می نماید.

در خصوص منابع اصلی حقوق بین الملل مذکور در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری یعنی معاهدات، عرف و اصول کلی، در بحث حکومت قانون، اصول کلی کمتر مورد توجه می باشند، زیرا بیشتر آنها از نظام های حقوقی داخلی، استخراج شده اند و بر همین اساس می بایستی فرض را براین قرار داد که مؤلفه های حکومت قانون، درمورد آنها، رعایت شده است.<sup>۴۴</sup> عرف نیز منبع حقوق غیر نوشته است. به همین دلیل تمرکز اصلی بر روی فرآیندی است که به وسیله آن قواعد مکتوب، به وسیله معاهدات، در سطح بین المللی، انتشار می یابند. معاهده وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، به نحوی استاندارد، به این

42.R. Jennings & A. Watts, Oppenheim's International Law, vol. 1, 9th ed. (London: Longman, 1992), at 12.13.

43. *Ibid*.

44. Stéphane Beaulac, An Inquiry into the International Rule of Law, EUI Working Papers, 2007. p. 14.

موضوع پرداخته است.<sup>۴۵</sup> حدود ۱۰۸ کشور، این معاهده را، تصویب نموده‌اند و از ژانویه ۱۹۸۰، لازم‌الاجرا شده است. حتی آن دولت‌هایی که آن را تصویب ننموده‌اند، پذیرفته‌اند که بخش‌های عمده آن معاهده در مورد آنها نیز قابل اعمال است، زیرا قواعد آن تبدیل به قواعد عرفی شده‌اند.<sup>۴۶</sup> معاهده وین حقوق معاهدات، در خصوص تمامی مسائلی که از دید حکومت قانون، برای معاهدات مهم هستند، قواعدی وضع نموده است. مسائلی نظیر: شیوه انعقاد، تصویب، اعمال شرط، تفسیر، اعتبار و خاتمه معاهدات. روشن بودن این مسائل، به قطعیت قواعد حقوق بین‌الملل، کمک می‌نماید.

در خصوص انتشار معاهدات بین‌المللی نیز که لازمه حکومت قانون، است، باید به خاطر داشت که شفافیت در این مورد، اصل راهنمایی است که از سال ۱۹۴۵، با تصویب منشور ملل متحد، مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۰۲ منشور مقرر داشته، تنها آن دسته از معاهدات در مقابل نظام ملل متحد قابل استناد می‌باشند که در دبیرخانه آن، به ثبت رسیده باشند.<sup>۴۷</sup> این شرط اساسی در معاهده وین حقوق معاهدات نیز، ذکر شده است.<sup>۴۸</sup> در حال حاضر نیز تمامی این معاهدات به کمک فناوری اطلاعات، منتشر می‌شوند و در دسترس عموم قرار دارند.<sup>۴۹</sup>

بنابراین منابع حقوق بین‌الملل برای آنکه نقش خودشان را در فرآیند استقرار حکومت (بین‌المللی) قانون، ایفا نمایند، از ظرفیت‌های بسیار بالایی برخوردار هستند. ظرفیت‌هایی که به کمک تلاش‌های سازمان ملل متحد در خصوص توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل، در

45.A. Watts, "The International Rule of Law" (1993) 36 German Yearbook of International Law 15, at 28.

46. M. N. Shaw, International Law, 5th ed. (Cambridge: Cambridge University Press, 2003), at 633.

47. The Charter of the United Nations, Article 102.

۴۸. معاهده ۱۹۶۹ حقوق معاهدات، ترجمه هدایت الله فلسفی؛ در کتاب حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹.

49. On: <http://www.untreaty.un.org>.

حال تکمیل شدن و ارتقا یافتن می‌باشند. تدوین حقوق بین‌الملل، گامی در جهت تقویت حکومت قانون، در جامعه بین‌المللی است. امروزه بیش از ۵۰۰ معاهده چند جانبه که مربوط به تنظیم فعالیت‌های بین دولتی می‌شوند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، به امانت گذاشته شده‌اند.<sup>۵۰</sup> وجود تعداد بسیار زیاد این معاهدات، وثبت آنها، نشان دهنده تلاش کشورها در جهت تقویت حکومت قانون، در روابط بین‌الملل است. تلاش می‌شود تا از طریق تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، خلاءهای موجود در آن، پر شوند.

### بند چهارم: شناسایی اصل برابری حاکمیت‌ها در حقوق بین‌الملل

یکی از ستون‌های دیگر حکومت قانون، اصل برابری در مقابل قانون است که می‌بایستی وضعیت آن در حقوق بین‌الملل، مورد بررسی قرار گیرد. در حقوق بین‌الملل، اصل دیر پای وجود دارد مبنی بر اینکه همه دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی، در مقابل نظام حقوقی، برابر هستند.<sup>۵۱</sup> برابری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، به این معنی است که هر آنچه برای یک دولت، قانونی محسوب می‌شود، به نحوی برابر، برای سایر دولت‌ها هم قانونی است و هر آنچه که غیر موجه است، به همان اندازه برای دیگران هم، غیر موجه است. حاکمیت برابر کشورها، یکی از اصول هفت گانه مذکور در ماده ۲ منشور ملل متحد است. اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه و همکاری میان کشورها نیز، برابری حاکمیت کشورها را، یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل می‌داند.<sup>۵۲</sup>

50. Hans Corell, "Developing the Rule of Law among nations: a challenge to the United Nations", p. 5, Steinkraus. Cohen International Law Lecture, London, 7 July 2003.

On: [http://www.un.org/law/counsel/english/Lecture\\_07\\_07\\_03.pdf](http://www.un.org/law/counsel/english/Lecture_07_07_03.pdf). p. 6.

51. B. Kingsbury, "Sovereignty and Inequality" (1998) 9 European Journal of International Law, at 599.

52. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations, G. A. Res. 2625 (XXV), U. N. Doc. A/8028 (1970).

دولت‌ها نه تنها در مرحله اعمال حقوق بین‌الملل، برابر محسوب می‌شوند، بلکه از نظر حق بر مشارکت در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل نیز، برابر می‌باشند. ماده ۶ کنوانسیون وین حقوق معاهدات، در خصوص آن مقرر داشته است: "هر دولت، دارای اهلیت انعقاد معاهده است"<sup>۵۳</sup>. علاوه بر این کنفرانس‌هایی که برای انعقاد معاهدات برگزار می‌شوند، عموماً طرفدار آیین یک دولت، یک رأی برای مذاکرات و تصویب متن معاهدات، هستند. آیین‌های مربوط به اعمال شرط، لازم‌الاجرا شدن، اصلاح و خاتمه معاهدات که در معاهده وین بیان شده‌اند نیز، همه مبین این نکته‌اند که دولت‌ها در نظام‌های قراردادی به نحوی برابر، مشارکت می‌نمایند. در حقوق بین‌الملل عرفی نیز، منطقی مشابه این در زمینه برابری حاکمیت کشورها، مورد پذیرش قرار گرفته است. در واقع رویه هر یک از دولت‌های ذی‌نفع در مسئله حقوقی و همچنین اعتقاد حقوقی آنها در فرآیند شکل‌گیری یک قاعده عرفی، دارای اهمیت و ارزش است.

### بند پنجم: ظرفیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای استقرار حاکمیت قانون

#### الف) صلاحیت عمومی دیوان بین‌المللی دادگستری

سؤال مهم دیگر در بررسی امکان‌پذیر بودن استقرار حکومت قانون، در جامعه بین‌المللی، این است که آیا در عرصه حقوق بین‌الملل، هیچ مرجعی وجود دارد که در مورد حل اختلافات راجع به تمام قواعد حقوق بین‌الملل، صلاحیت عام داشته باشد؟ اگر یک قاعده رفتاری مورد مناقشه، همچنان در معرض اختلاف باقی بماند، هدف حقوق، برای تامین نظم، با شکست مواجه می‌شود. برای حکومت قانون، ضروری است که نهادهایی وجود داشته باشند که به ماهیت امری قانون، معنی ببخشند و به نفع آن، استدلال

۵۳. ماده ۲ معاهده ۱۹۶۹، حقوق معاهدات، پیشین.

نمایند.<sup>۵۴</sup> فعالیت قضایی، اساساً آخرین حلقه از زنجیره تبلور حکومت قانون، است. فعالیت قضایی پلی بین قواعد حقوقی ضرورتاً کلی و طبیعت ضرورتاً انفرادی یک دعوی خاص است.<sup>۵۵</sup>

تردیدی وجود ندارد که در سطح بین‌المللی، یک ساختار دادرسی وجود دارد که در رأس آن دیوان بین‌المللی دادگستری است. دیوانی که می‌تواند به تمام اختلافات حقوقی میان کشورها، رسیدگی کند.<sup>۵۶</sup> صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، نسبت به موضوعات متنازع‌فیه تا آنجا که مربوط به دولت‌ها است، صلاحیتی جامع است. در خصوص صلاحیت شخصی دیوان بین‌المللی دادگستری، بند یک ماده ۳۴ اساسنامه دیوان، به روشنی می‌گوید: فقط دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری، رجوع کنند. اما در خصوص صلاحیت موضوعی، بند یک ماده ۳۶ مقرر داشته است: "دیوان بین‌المللی دادگستری، نسبت به کلیه اموری که اطراف دعوی به او، رجوع می‌کنند و همچنین نسبت به موارد خاص پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد یا عهدنامه‌ها و قراردادهای جاری، صلاحیت رسیدگی دارد. بنابراین صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری، جامع به نظر می‌آید. البته برای آنکه دیوان بتواند این صلاحیت خود را اعمال نماید، می‌بایستی طرف‌های اختلاف، قبلاً رضایت خودشان را در این خصوص ابراز نموده باشند. یعنی این رضایت اصحاب دعوی است که به دیوان، صلاحیت می‌بخشد."<sup>۵۷</sup> به عبارت دیگر صلاحیت توافقی دیوان در تمامی قضایا، بستگی به این مسئله دارد که آیا دولت‌های درگیر در قضیه، رضایت خودشان را برای رسیدگی قضایی، ابراز داشته‌اند یا خیر؟ این وضعیت عموماً به عنوان فقدان صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری یا هر مرجع دادرسی دیگر، برای

54. Hersch, Lauterpacht, The Function of Law in the International Community, Oxford, (1933). pp. 425.426.

55. *Ibid*, p. 102.

56. Y. Shany, The Competing Jurisdictions of International Courts and Tribunals (Oxford: Oxford University Press, 2003), at 104.116.

57. Corfu Channel, Preliminary Objection, I. C. J. Report 1948, 27.

On: <http://www.icj.cij.org/docket/index.php?p1=3&code=cc&case=1&k=c>d



رسیدگی به موضوعات ترافیعی، توصیف می‌شود. مبتنی بودن حل قضایی اختلافات حقوقی، بر رضایت دولت‌ها، با معیارهای حکومت قانون، سازگار نیست.<sup>۵۸</sup> البته دولت‌ها، مجبور نیستند قضیه به قضیه، رضایت خودشان را، اعلام نمایند. دولت‌ها می‌توانند پیشاپیش رضایت خودشان را، نسبت به صلاحیت یک مرجع دادرسی برای رسیدگی به اختلافات آتی، اعلام نمایند. علاوه بر این معاهدات بین‌المللی بسیاری هم وجود دارند که دولت‌ها، پیشاپیش در آن معاهدات پذیرفته‌اند که در خصوص اختلافات مربوط به آن معاهدات، دیوان بین‌المللی دادگستری یا مراجع دادرسی دیگر، دارای صلاحیت هستند. این گونه پذیرش صلاحیت دیوان، هم در جهت تقویت حکومت قانون است و هم با واقعیت مربوط به حاکمیت دولت‌ها، در عرصه بین‌المللی، سازگار می‌باشد.

### ب) استقلال و بی طرفی دیوان بین‌المللی دادگستری

کمتر کسی نسبت به استقلال و بی طرفی دیوان بین‌المللی دادگستری، تردید دارد. ماده ۲ اساسنامه دیوان می‌گوید: دیوان بین‌المللی دادگستری، عبارت است از یک هیات قضات مستقل که بدون توجه به ملیت آنها از میان کسانی انتخاب می‌گردند که عالی‌ترین مقام اخلاقی را، دارا بوده و هریک واجد شرایطی باشند که برای انجام مشاغل عالی قضایی، در کشور خودشان لازم است یا از جمله متبحرین در علم حقوق باشند که تخصص آنها در حقوق بین‌الملل، شهرت به سزایی دارد. هرچند قضات دیوان، به طور مشترک توسط مجمع عمومی و شورای امنیت، تعیین می‌شوند و مخارج دیوان، توسط مجمع عمومی تعیین می‌شود. ولی دیوان در مورد احکام یا امور مالی خود، در قبال آنها پاسخگو نیست.

ماده ۲۰ اساسنامه به بی طرفی قضات دیوان توجه کرده و مقرر داشته است: هر عضو دیوان باید قبل از تصدی شغل خود در جلسه علنی، رسماً تعهد نماید که در مشاغل خود کمال بی‌طرفی را رعایت نموده و از روی نهایت وجدان، انجام وظیفه نماید. مسائل مربوط

58. Watts, *op. cit.*, n. 45. at 37.

به ناسازگاری فعالیت قضات با برخی فعالیت‌های آنها در خارج دیوان و یا اشتغالات قبلی آنها در قضایا، به ترتیب در مواد ۱۶ و ۱۷ اساسنامه، مقرر شده‌اند. یکی از وجوه مهم استقلال و بی‌طرفی دیوان، به عدم انفصال قضات آن، مربوط می‌شود. بند یک ماده ۱۸ اساسنامه در این مورد می‌گوید: اعضای دیوان را نمی‌توان از شغل خود، منفصل نمود، مگر در صورتی که سایر اعضا، متفقاً رأی دهند که دیگر آن عضو، واجد شرایط مقرر نیست.<sup>۵۹</sup> علاوه بر آنچه در اساسنامه دیوان مقرر شده، خود دیوان و قضاتش، تاکنون درجه بالایی از استقلال و بی‌طرفی را، از خود نشان داده‌اند.

### ج) در دسترس بودن دیوان بین‌المللی دادگستری

دادگاه‌ها در یک نظام حقوقی می‌بایستی به سادگی در دسترس همگان باشند. اساسنامه دیوان در ماده ۳۵، راه را برای رجوع تمامی دولت‌ها، حتی دولت‌هایی که عضو اساسنامه و سازمان ملل متحد هم نیستند، باز گذاشته است. اساسنامه دیوان تلاش نموده همه دولت‌ها به نحوی برابر، به دیوان دسترسی داشته و شرایط رجوع آنها به دیوان، تبعیض‌آمیز نباشد. ماده ۳۵ اساسنامه با روح حکومت قانون، در جامعه بین‌المللی، سازگار است. البته در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به جز در مورد تقاضای نظر مشورتی، هیچ نقشی به سایر تابعان حقوق بین‌الملل، داده نشده است.

---

59. Statute of The ICJ.

## نتیجه گیری

درخصوص سوال، امکان پذیر بودن حکومت بین المللی قانون، از مباحث فوق، می توان نتیجه گیری نمود، به دلیل تفاوت های ساختاری و مبنایی متعدد میان حقوق داخلی و حقوق بین الملل، از یک سو و تکامل یافته نبودن حقوق بین الملل فعلی از سوی دیگر، پیاده نمودن حکومت قانون به عنوان یک اصل حقوق داخلی در روابط بین الملل، با موانع اجرایی و تردید های نظری جدی روبرو است. اما علی رغم تمام کاستی ها، موانع و تردید های مطرح شده برای مفهوم حکومت بین المللی قانون، این مفهوم تنها یک آرمان سیاسی نیست. زیرا از نقطه نظر مبانی و محمل های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی از حداقل های لازمه برای پیاده شدن در عرصه جامعه بین المللی برخوردار می باشد.

اولویت یافتن حقوق بین الملل بر حقوق داخلی، توسعه ی حقوق بشر و آیین دادرسی حاکم بر محاکم بین المللی، محدود شدن روز افزون حاکمیت کشورها به قواعد بین المللی، تعمیق و توسعه سازوکارهای مسالمت آمیز حل مناقشات بین المللی، نفوذ دموکراسی به سخت ترین دژ مستبدین یعنی منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن آن به ارزشی جهان شمول، رسمیت یافتن اصول تساوی حاکمیت کلیه ی کشورها و منع توسل به زور در روابط بین الملل، رویش مفاهیم "تعهدات در مقابل جامعه ی بین المللی در کل" و "قواعد آمره"، همه مؤید این نتیجه گیری می باشند.

با این حال باید بخاطر داشت که حکومت بین المللی قانون هنوز یک پدیده در حال ظهور و تکمیل است و به موازات پیشرفت نیروهای جهانی، در نزدیک تر کردن ملت ها به یکدیگر، توسعه می یابد.

## منابع

## الف) فارسی

## ۱- کتاب‌ها

۱. آقایی، سید داود؛ نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، پیک فرهنگ، ۱۳۷۵.
۲. آل حبیب، اسحاق؛ دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۹.
۳. احمدی، کورش؛ شورای امنیت مسئله تجدید ساختار آن، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶.
۴. باوت، درک ویلیام؛ تحولات نوین در شیوه‌های حقوقی حل و فصل اختلافات، درس‌هایی از آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه، ترجمه زهرا کسمتی و علیرضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۵. برانلی، ایان؛ حقوق بین‌الملل در واپسین سال‌های قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران، ۱۳۸۳.
۶. راسخ، محمد؛ بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۴.
۷. ساندز، فیلیپ؛ دنیای بی قانون: آمریکا، قانون‌گذاری جهانی، و قانون‌شکنی، ترجمه اصغر دستمالچی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶.
۸. شریفی طراز کوهی، حسین؛ قواعد آمره و نظم حقوقی بین‌المللی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۸۹.
۹. شوالیه، ژاک؛ دولت قانونمند، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، نشر دادگستر، بهار ۱۳۷۸.

۱۰. شریفی طراز کوهی، قواعد آمره و نظم حقوقی بین‌المللی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. فریدریش فون‌هایک؛ "قانون، قانون‌گذاری و آزادی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد، چاپ اول، طرح نو: تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. فلسفی، هدایت الله، حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹.
۱۳. کاتوزیان، ناصر و دیگران؛ حکومت قانون و جامعه مدنی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۴. کاسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان؛ دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی ج.ا. ایران، ۱۳۷۰.
۱۵. مرکز مالگیری، احمد، حکومت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران، ۱۳۸۵.
۱۶. نیکول دلو، آرجون ماکیحانی و جان باروز؛ حاکمیت قدرت یا حاکمیت قانون؟ ترجمه کاظم غریب آبادی و سید حسین حجازی، مؤسسه ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۳.

## ۲- مقالات

۱۷. احمدی، کوروش؛ تجدید ساختار شورای امنیت در بن بست، در کتاب رضا موسی زاده، اصلاحات در سازمان ملل و راهبرد ج.ا. ایران. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۸۵.
۱۸. برانلی، ایان؛ حاکمیت قانون در امور بین‌المللی، ترجمه علیرضا حجت زاده، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۰، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، تابستان ۱۳۸۵.
۱۹. راسخ، محمد؛ تئوری حق و حقوق بشر بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، ۱۳۸۴.

۲۰. راسخ، محمد؛ ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۵.

۲۱. زارعی، محمدحسین، حاکمیت قانون در اندیشه‌های سیاسی و حقوقی، نامه مفید، سال هفتم، شماره ۶.

### ۳- پایان‌نامه‌ها

۲۲. ایزدی، هیوا؛ جلوه‌های اصل حاکمیت قانون در برخی نظام‌های حقوقی معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.

۲۳. عباسی، الهام؛ حاکمیت قانون یا تعادل قدرت‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵.

### ۴- اسناد

۲۴. اعلامیه‌های حقوق بشر (اعلامیه‌های حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی، قراردادهای ژنو و...)، گردآورنده هوشنگ ناصر زاده، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.

۲۵. ترجمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در آل حبيب، اسحاق، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۹.

۲۶. مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول قسمت اول، توسط کرسی حقوق بشر صلح دموکراسی یونسکو، زیر نظر اردشیر امیر ارجمند، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۲۷. معاهده ۱۹۶۹-حقوق معاهدات، ترجمه هدایت الله فلسفی، در کتاب حقوق بین‌الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۷۹.

## ب) لاتین

### A-Books

28. Alfred Eckhard Zimmern, The League of Nations and the Rule of Law, 1918-1935, Macmillan and Co. , limited, 1939,Original from the University of Michigan,Digitized May 12, 2006.
29. Ann Van Wynen Thomas, Aaron Joshua Thomas, A World Rule of Law: Prospects and Problems, SMU Press, 1975 .
30. Arthur J. Goldberg ,The Rule of Law in an Unruly World, School of International Affairs, Columbia University, 1966.
31. Arthur Larson, The International Rule of Law: A Report to the Committee on Research for Peace, Institute for International Order, 1961.
32. B. Z. Tamanaha,On the Rule of Law — History, Politics, Theory (Cambridge: Cambridge University Press, 2004).
33. Godefridus J. H. Hoof, Rethinking the Sources of International Law, Brill Archive, 1983.
34. Ian Brownlie, The Rule of Law in International Affairs: International Law at the Fiftieth Anniversary of the United Nations, Martinus Nijhoff Publishers, 1998.
35. Iutisone Salevao, Rule of Law, Legitimate Governance & Development in the Pacific, Asia Pacific Press, 2005.
36. John Francis Murphy ,The United States and the Rule of Law in International Affairs, Cambridge University Press, 2004.
37. Kofi Atta Annan, Global Values: The United Nations and the Rule of Law in the 21st Century, Institute of Southeast Asian Studies, 2000.

38. Oonagh E. Fitzgerald, Elisabeth Eid, The Globalized Rule of Law: Relationships Between International and Domestic Law, Irwin Law, 2006.
39. Philip Allott, Towards the International Rule of Law: Essays in Integrated Constitutional Theory, Cameron May, 2005.
40. Robert D. Bryant, A World Rule of Law: A Way to Peace, R&E Research Associates, 1977.
41. Special Committee on World Peace Through Law, American Bar Association, The Rule of Law Among Nations: Digest of Proceedings of Regional Conferences of Lawyers, 1959.
42. William O Douglas ,The Rule of Law in World Affairs, Center for the study of democratic institutions, 1961, Original from the University of California, Digitized May 29, 2008.

#### **B-Articles**

43. Andreas L. Paulus, Jurisprudence of the International Court of Justice Lockerbie Cases. On: <http://www.ejil.org/journal/Vol9/No3/sr1.html>
44. André Nollkaemper and Jan Wouters, The workshop Connections between accountability mechanisms and the international rule of law, 28 September 2007. On: [http://leuven-governance.org/activities/accountability %20 mechanisms %20 and %20 the%20rule%20of%20law%20-%20 call %20 for %20 paper.pdf](http://leuven-governance.org/activities/accountability%20mechanisms%20and%20the%20rule%20of%20law%20-%20call%20for%20paper.pdf)
44. A. Watts, "The International Rule of Law" (1993) 36 German Yearbook of International Law 15.



45. Dencho, Georgiev, Politics or Rule of Law: Deconstruction and Legitimacy in International Law. On: <http://www.ejil.org/journal/Vol4/No1/art1.pdf>.
45. Dimitria Petrova: Strengthening the rule of law in building democratic Societies
46. November 2002. On: <http://www.unhchr.ch/democracy/D-Petrova.pdf>
47. Erika de Wet, 'The International Constitutional Order', 55 International and Comparative Law Quarterly (2006) 51-76.
48. Hans Corell, "Developing the Rule of Law among nations: a challenge to the United Nations", p. 5, Steinkraus-Cohen International Law Lecture, London ,7 July 2003- On: [http://www.un.org/law/counsel/english/Lecture\\_07\\_07\\_03.pdf](http://www.un.org/law/counsel/english/Lecture_07_07_03.pdf).
49. Hans Corell, "Prospects for the Rule of Law among Nations", Vienna International Centre. On: [http://www.un.org/law/counsel/english/Vienna\\_24\\_2\\_04final.pdf](http://www.un.org/law/counsel/english/Vienna_24_2_04final.pdf)
50. Hans Koechler, The United Nations, the international rule of law and terrorism, March 2002. On: <http://www.i-p-o.org/koechler-un-law-terrorism.pdf>
51. Helen Yu and Alison Guernsey, What is the Rule of Law? [The University of Iowa College of Law](http://www.uiowa.edu/ifdebook/faq/Rule_of_Law.shtml), The Center for International Finance and Development. On: [http://www.uiowa.edu/ifdebook/faq/Rule\\_of\\_Law.shtml](http://www.uiowa.edu/ifdebook/faq/Rule_of_Law.shtml)
52. Jan Klabbers, Checks and Balances in the Law of International Organizations. On: [www.helsinki.fi/eci/Publications/JKChecks\\_and\\_Balance.pdf](http://www.helsinki.fi/eci/Publications/JKChecks_and_Balance.pdf)

53. Jeremy ,Rabkin, What Is an International Rule of Law? Competing Perspectives on Its Meaning, Feasibility and Desirability,Columbia law school: Federalist society blog,2006. On: <http://www.expost.blogspot.com>
54. Joost ,Pauwelyn,bridging fragmentation and unity: International Law as a universe of inter-connected islands. On: <http://www.students.law.umich.edu/mjil/article-pdfs/v25n4-pauwelyn.pdf>.
55. Karel Wellens, fragmentation of International Law and establishing an accountability regime for International organizations. the Rule of judiciary in closing the GAP.
56. kenneth Minogue, Noncompliance and the International Rule of Law.  
On: <http://www.yale.edu/yjil/PDF/Cogan.pdf>.
57. Martti Koskeniemi,International Law: Between Fragmentation and Constitutionalism, Canberra, 27 November 2006.
58. Mary ,Ann Glendon,The Rule of Law in The Universal Declaration of Human Rights, Northwestern University Journal of International Human Rights. para. 1. On: <http://www.law.northwestern.edu/journals/jihr/v2/5>
59. Matthew Stephenson, The Rule of Law as a Goal of Development Policy, Harvard University Department of Government and Law School.  
On: [http://www.courts.state.co.us/userfiles/File/Media/Education/Rule\\_of\\_Law.pdf](http://www.courts.state.co.us/userfiles/File/Media/Education/Rule_of_Law.pdf).
60. Randall Peerenboom,Varieties of Rule of Law, in Asian Discourses of Rule of Law: Theories and Implementation of Rule of Law in Twelve Asian Countries, France and the U. S1 (Randall Peerenboom ed. 2004).

- On: <http://www.bsos.umd.edu/gvpt/lpbr/subpages/reviews/peerenboom704.htm>
61. Simon Chesterman, An International Rule of Law, New York University School of Law, 2008. On: <http://lsr.nellco.org/cgi/viewcontent.cgi?article=1070&context=nyu/plltwp>
  62. Simon Chesterman, "The Role of the Security Council in Strengthening a Rules-Based International System", panel\_2\_report.doc (05/26/06).  
On: [http://www.ijl.org/research/documents/panel\\_2\\_report.pdf](http://www.ijl.org/research/documents/panel_2_report.pdf)
  63. Speech by H. E. Judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice, The ICJ, the United Nations System, and the Rule of Law, 13 November 2006. On: [http://www.lse.ac.uk/collections/LSEP/publicLecturesAndEvents/pdf/20061164\\_Higgins.pdf](http://www.lse.ac.uk/collections/LSEP/publicLecturesAndEvents/pdf/20061164_Higgins.pdf)
  64. Stefan A. Talmon, The Security Council as World Legislature, 99 AM. J. INT'L L. (2005). On: <http://www.kentlaw.edu/faculty/bbrown/classes/IntlOrgSp07/CourseDocs/vthesecuritycouncilasworldlegislature.pdf>
  65. Stéphane Beaulac, An Inquiry into the International Rule of Law, EUI Working Papers, 2007.
  66. Terry Nardin, Theorising the international rule of law, British International Studies Association, Review of International Studies (2008), 34.
  67. Terry Nardin, The rule of law in international relations, ASIL, 1999. p. 1.  
On: <http://www.Heinonline.org>
  68. United Nations, Reinforcing the Rule of Law in International Relations: The Key Role of Parliamentarians, Parliamentary Hearing at the United Nations, 20 – 21 November 2007

### C-Documents

69. Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations, G. A. Res. 2625 (XXV), U. N. Doc. A/8028 (1970).
70. ILA ,Resolution 3/2002: "New Delhi Declaration of Principles of International Law Relating To Sustainable Development" in ILA, Report of the Seventieth Conference, New Delhi (London: ILA, 2002). On: [http://www.cisd.org/pdf/new\\_delhi\\_declaration.pdf](http://www.cisd.org/pdf/new_delhi_declaration.pdf).
71. ILC, Report of the Study Group on Fragmentation of International Law, 54th Session of the International Law Commission, Geneva, 29 April-7 June and 22 July-16 August 2002, A/CN. 4/L. 628.
72. ILC, Report of the Study Group on Fragmentation of International Law: Difficulties arising from the Diversification and Expansion of International Law, 55th Session of the International Law Commission, Geneva, 5 May- 6 June and 7 July-8 August 2003, A/CN. 4/L. 644.
73. Millennium Declaration, GA Res 55/2, UN Doc. A/RES/55/2 (2000). On: <http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.htm>
74. Tadic Case(Prosecutor v. Dusko Tadic)(1995),International Criminal Tribunal for the Yugoslavia,The Hague,HRLJ 16. (Trial Chamber). (Appeals Chamber). On: <http://www.un.org/icty/glance/casestatus.htm>
75. Universal Declaration of Human Rights,G. A. Res. 217A (III), U. N. Doc. A/810, 1948.
76. World Bank,The Rule of Law as a Goal of Development Policy.  
On: <http://www.worldbank.org/>